

حجاب‌های نورانی و ظلمانی

از دیدگاه

امام خمینی (ره)

احمد عابدی

و ظلمانی را از دیدگاه حضرت امام معرفی کرده و راه رفع حجاب‌ها نیز با تکیه بر کلمات ایشان بیان کند.

مقدمه

کلمه «حجاب» در اصل لغت به معنای پوششی است که مانع و حائل بین بیننده و آنچه می‌خواهد ببیند باشد، و هر آنچه مانع چشم از دیدن باشد، حجاب نامیده می‌شود و چون این کلمه مصدر است و به معنی اسم فاعل به کار رفته پس حجاب یعنی منع کردن، ولی به معنی منع کننده استعمال شده است.^۱

در آیات شریفه قرآن - که تقریباً هشت مرتبه کلمه حجاب و مشتقات آن به کار رفته - و نیز در روایات زیادی کلمه «حجاب» به معنی آنچه مانع از دیدن یا فهمیدن چیز دیگر باشد، به کار رفته است. کلماتی از قبیل «غطاء»، «قفل بر قلب»، ستر، اکنه و طبع نیز مترادف با حجاب استعمال شده‌اند، ضمناً «حجال» به معنی عروس نیز - چون غالباً عروس پرده نشین و دارای حجاب است که نگاه نامحرم به او نیفتد - معنای حجاب را می‌فهماند. کشف، شهود، معاینه، ابصار و بصیرت نیز به عنوان ضد حجاب شناخته شده‌اند. مثلاً می‌توان ادعا کرد: کسی که به کشف و شهود رسیده است حجاب نداشته و همه آنان که در حجاب اند از

موضوع سیر و سلوک، شناخت فاصله‌های بین انسان و خدای متعال و «حالات»، «درجات» «منزل‌ها» و «مقامات» و تلاش در کم نمودن آن فاصله است. برای این حرکت و سلوک معنوی اولین قدم، شناخت موانع و حجاب‌ها و راه خرق و عبور از آنها است. در اسفار چهارگانه عقلی و عرفانی نیز شناخت حجاب‌های نورانی و ظلمانی جایگاهی رفیع دارد. بلکه به طور کلی می‌توان ادعا کرد تمام اخلاق و عرفان یا مقدمه برای رفع حجاب بین انسان و خدا است یا نتیجه و فروع آن است. مخصوصاً وقتی توجه شود که در دین هیچ مطلبی مهم‌تر از توحید نیست و شناخت حجاب‌ها و راه رفع و خرق حجب مقدمه وصول به توحید است.^۱ بنابراین می‌توان ادعا کرد که:

در علوم معنوی بحثی لازم و ضروری تر از این مسئله وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امام خمینی در طول حیات عارفانه خود نیز همین مسئله بوده است؛ به طوری که تقریباً در قدیمی‌ترین آثار مکتوب ایشان که در دست است مسئله حجاب بودن علوم و حتی عرفان را تذکر داده و انباشتن مفاهیم و اصطلاحات عرفانی را حجاب‌های ظلمانی دانسته و صرف کردن عمر در راه آنها را موجب هلاکت و خسران و محرومیت ابدی معرفی کرده است.^۲ در آخرین ماه‌های عمر خود نیز از در حجاب بودن خود شکوه و گلایه دارد.^۳ و در درس‌های اخلاق و فلسفه و عرفان و حتی در سخنرانی‌های عمومی و مکاتبات خود غالباً به مسئله حجاب‌های نورانی و ظلمانی توجه داده است.

نگارنده تلاش دارد در این مقاله برخی از حجاب‌های نورانی

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۸۴، ج ۲۰، ص ۴۳۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۶، نامه به میرزا جواد همدانی در تاریخ ۱۳۱۴ ش.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۲۷۴، اسفند، ۱۳۶۷ ش.

۴. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۴.

وجود دارد که قابل خرق بوده و یک حجاب دیگر هست که قابل خرق نیست.

د. اگر هر اسم و صفتی را یک حجاب بدانیم، حجاب‌ها هزار عدد می‌باشند.

ه. اگر معصومین (ع) حجاب‌های حق متعال باشند، به تعداد آنان حجاب‌های نورانی وجود دارد، و اگر هر کدام از فرشتگان را حجاب بدانیم، عدد حجاب‌هایی نهایت می‌باشد. و اگر هر کدام از غیب و شهادت یا ملک و ملکوت یا نور و ظلمت را یک حجاب بدانیم، تعداد حجاب‌ها دو عدد است. از اینجا است که علت تفاوت روایات روشن می‌گردد.

حدیث اول. شخصی از امیرالمؤمنین (ع) درباره «حجب» سؤال نمود، حضرت در پاسخ او فرمود: حجاب اول خود هفت حجاب است، حجاب دوم هفتاد حجاب است و بر هر کدام هفتاد هزار فرشته حاجب است. و حجاب‌های مختلفی چون سرادقات جلال و سرادقات کبریا و سرادقات جبروت است. پس از آنها نور ابيض و پس از آن سرادق وحدانیت و پس از آن حجاب اعلی است. ۱۵ سپس حضرت علی (ع) مسیر برخی از این حجاب‌ها را نزدیک به پنج میلیارد سال بیان کرده است. ۱۶

حدیث دوم. در احادیث معراج آمده است: «جبرئیل به پیامبر (ص) فرمود: بین خداوند و خلق نود هزار حجاب است. بین من و اسرافیل - که نزدیک‌ترین خلق به خداوند هستیم - چهار حجاب وجود دارد: حجاب نور، حجاب ظلمت، حجاب غمام، و حجابی از آب». ۱۷

حدیث سوم. رسول خدا (ص) فرمود: «خداوند هفتاد هزار

مشاهده جمال حق محرومند.

بردار حجاب از میان تا یابد

راهی به رخ تو چشم بیگانه من

بردار حجاب تا جمالش بینی

تا طلعت ذات بی مثالش بینی ۵

نجم‌الدین رازی در تعریف حجاب فرموده: «حجاب عبارت از مواعی است که دیده بنده بدان از جمال حضرت جلّت، محجوب و ممنوع است. ۶ مرحوم سید علیخان کبیر نیز فرموده است:

حجاب - و جمع آن حجب - به معنای پوشش بوده و اصل آن جسمی است که مانع بین دو جسم دیگر باشد و در غیر معنای جسم نیز به کار رفته است؛ مثلاً گاهی گفته می‌شود: ناتوانی حجابی است بین انسان و رسیدن به مقصود، یا معصیت حجاب بین عبد و پروردگارش می‌باشد... و حقیقت حجاب بین انسان و خدا این است که: انسان سالک، مقامات و درجاتی دارد که هر کدام - قبل از رسیدن به خدای متعال - حجاب او هستند، و چون مقامات انسان بی نهایت است، مراتب حجاب‌ها نیز بی نهایت است. ۷

تعداد حجاب‌ها

زان که هفتصد پرده دارد نور حق

پرده‌های نور دان چندین طبق^۸

تعداد حجاب‌ها غیر از بیان «انواع حجاب‌ها» است. در آینده انواع حجاب‌ها مورد اشاره قرار خواهد گرفت ولی اکنون به صورت اجمال و گذرا تعداد حجاب‌های بین انسان و خدا را ذکر می‌کنیم.

درجات بین انسان و خداوند - که در سیر و سلوک مورد بحث قرار می‌گیرند - ممکن است در یک درجه خلاصه شود،^۹ و ممکن است آنها را یازده درجه دانست،^{۱۰} و احتمال دارد آنها را سی و شش درجه به حساب آورد،^{۱۱} و احتمال دارد آنها را صد^{۱۲} و بلکه هزار^{۱۳} و بلکه بی نهایت دانست.^{۱۴} و این عددها هیچ تعارض و تهافتی با یکدیگر ندارند، زیرا تفاوت به اجمال و تفصیل و کلی و جزئی است. حجاب‌های بین انسان و خداوند نیز این گونه است و عدد خاصی ملاک نیست. به عنوان مثال:

الف. چون هر گناه کبیره‌ای یک حجاب است، پس حجاب‌های غلیظ ظلمانی بین انسان و خداوند هفتاد عدد است.

ب. و اگر هر شاغل و مانع از حق را در نظر بگیریم، تعداد حجاب‌هایی نهایت است.

ج. اگر هر اسمی را یک حجاب بدانیم، هفتاد و دو حجابی

۵. دیوان امام، ص ۲۴.

۶. مرصاد العباد، ص ۳۱۰.

۷. ریاض السالکین، ج ۲، ص ۲۹، ذیل شرح دعای سوم؛ تلخیص الریاض أو تحفة الطالبین، ج ۱، ص ۱۴۲.

۸. مثنوی، دفتر دوم، ص ۱۳۲.

۹. مثل اینکه «بینی و بینک آتی نیاز عنی / فارفع بلطفک آتی من البین».

۱۰. مثل مقامات العارفین ابن سینا در کتاب «الاشارات والتنبیها».

۱۱. مثل کتاب اوصاف الاشراف.

۱۲. مثل کتاب صد میدان.

۱۳. در ابتدای «منازل السائرین»، ص ۲۶ از ابوبکر کتانی نقل کرد، و خود خواجه عبدالله نیز در این کتاب در واقع هزار درجه و به ظاهر صد درجه بیان کرده است.

۱۴. ریاض السالکین، ج ۲، ص ۳۰.

۱۵. شیخ صدوق، کتاب التوحید، ص ۲۷۸، ح ۳، باب ۳۸.

۱۶. برای شرح و تفسیر کلمات این حدیث شریف و تأویل آن رجوع شود به «شرح توحید الصدوق»، ج ۳، ص ۵۸۷.

۱۷. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۹۵۴.

اقسام و انواع حجاب‌ها

ماده حجاب از مجرد است و شهادت حجاب بر غیب است، آن چنان که بسط حجاب از قبض و قبض بر بسط. هوشیاری حجاب مستی است و مستی حجاب هوشیاری، صحو حجاب محق است و محق حجاب صحو، روز حجاب شب است و شب حجاب روز، جود حجاب بخل است و بخل حجاب جود، خلوت حجاب جلوت است و جلوت حجاب خلوت است، هر کس با خلوت انس گیرد، جلوت را از دست می‌دهد و هر کس جلوت را به دست گیرد، خلوت را از دست می‌دهد و شاید یک معنای «من مات فقد قامت قیامته» این باشد که هر کس از جلوت بمیرد، خلوت او آشکار می‌گردد.

در روایات انواع بسیار زیادی برای حجاب‌ها ذکر شده است مثل «حجاب‌های نورانی»، «حجاب‌های ظلمانی»، «حجاب عزت»، «حجاب عظمت»، «حجاب رعب»، «حجاب ملکوت»، «حجاب آب»، «حجاب آتش»، «حجاب کبریاء»، «حجاب جلال»، «حجاب شفاعت»، «حجاب قدرت»، «حجاب قدس»، «حجاب حیرت»، «حجاب غیب»، «حجاب سریانی»، هندی، رومی، عبری، عجمی، عربی»، «حجاب اعظم و حجاب اعلی»، در کتاب‌های عرفانی نیز از «حجب کیانی»، «حجاب عزت» که مخصوص زنان است و «حجب عنایت» و شفقت بر خلق بحث شده و بین حجاب خداوند از خلق با حجاب خلق از خداوند تفاوت گذارده شده است.^{۲۸} ولی چون این اصطلاحات در کلمات حضرت امام خمینی کمتر به کار رفته ما نیز تنها به شرح و تفسیر حجاب‌های نورانی و ظلمانی که فراوان مورد تأکید ایشان بوده است می‌پردازیم.

حجاب‌های ظلمانی

در حدیث معروفی آمده است که: «إِنَّ اللَّهَ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ

حجاب از نور و ظلمت دارد».^{۱۸}

در احادیث عددهای دیگری برای تعداد حجاب‌های بین خداوند و خلق، بین خداوند و پیامبر اکرم، بین خداوند و عرش، بین خداوند و فرشتگان بیان شده است. مثل: هفتاد حجاب^{۱۹} هفت حجاب،^{۲۰} هیجده حجاب،^{۲۱} نود حجاب^{۲۲} هیجده هزار و سیصد و شصت هزار^{۲۳} حجاب، و بلکه بی‌نهایت. آسان‌ترین و سالم‌ترین راه شاید آن باشد که این اعداد را کنایه از کثرت و زیادی حجاب‌ها دانسته و عدد دقیق آن را به خدای متعال و اهل بیت (ع) واگذار کنیم. گرچه از نظر عرفانی نیز بیان و شمارش دقیق آنها مشکل نخواهد بود.

از نظر امام خمینی، تعداد حجاب‌ها را می‌توان دو عدد به یک اعتبار و سه عدد به اعتباری دیگر و چهار عدد به جهتی دیگر و هفت عدد از منظری دیگر و بلکه هزاران عدد یا هفتاد هزار دانست.^{۲۵} ایشان می‌فرماید:

انسان اعجوبه‌ای است دارای دو نشأه و دو عالم: نشأه ظاهره ملکوتیه دنیوی که آن بدن اوست، و نشأه باطنیه غیبیه ملکوتیه که از عالم دیگر است، و نفس او که از عالم غیب و ملکوت است، دارای مقامات و درجاتی است که به طریق کلی گاهی تقسیم کرده‌اند آن را به هفت قسمت، و گاهی به چهار قسمت، و گاهی به سه قسمت و گاهی به دو قسمت و از برای هر یک از مقامات و درجات آن جنودی است رحمانی و عقلانی و شیطانی و جهلانی.^{۲۶}

به عقیده حضرت امام می‌توان گفت انسان دارای دو بُعد ظاهر و باطن است و از جهتی دارای سه مقام ملک و برزخ و عقل است و از جهت مراتب عقل نظری و عملی، هر کدام دارای چهار مرتبه «عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد» و نیز «تخلیه و تحلیه و تجلیه و فناء» است. و از جهتی دیگر انسان دارای هفت بُعد «طبع، نفس، قلب، روح، سر، خفی، اخفی» است و حجاب‌های سه یا چهار یا هفتگانه همین است. آنگونه که لباس ساتر و حجاب بدن است، بدن مادی ساتر بدن برزخی است و بدن برزخی ساتر نفس و نفس ساتر قلب، و قلب ساتر روح و روح ساتر سر و سر ساتر لطیفه خفیه است.^{۲۷}

۱۸. ریاض السالکین، ج ۲، ص ۳۰.

۱۹. ر. ک: بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۴۴ و ۴۵؛ ج ۸، ص ۲۱۵.

۲۰. همان، ج ۸۵، ص ۱۵۲.

۲۱. همان، ج ۹، ص ۳۴۰؛ ج ۱۰، ص ۸۷؛ ج ۵۸، ص ۳۵.

۲۲. همان، ج ۱۶، ص ۲۹۲؛ ج ۱۸، ص ۲۵۸.

۲۳. مرصاد العباد.

۲۴. ریاض السالکین، ج ۲، ص ۳۰.

۲۵. شرح فصوص الحکم با تصحیح استاد آشتیانی، تعلیقه حضرت امام، ص ۵۵۵.

۲۶. چهل حدیث، ص ۴.

۲۷. ر. ک: آداب الصلاة، ص ۹۱؛ شواهد الربوبیه، ص ۲۰۷.

۲۸. الفتوحات المکیه، باب ۳۵۰، ج ۵، ص ۳۱۲.

من نور وظلمة»^{۲۹} خدای متعال هفتاد هزار حجاب از نور و ظلمت دارد. به مقتضای این حدیث شریف عرفای بزرگ به بحث از حجاب های نورانی و ظلمانی پرداخته تا پس از معرفی و شناخت این حجاب ها، به خرق و کنار زدن آنها اقدام نمایند.

چون کلمه هزار از نظر عرفا کنایه از کلی است، گویا که هر کلی هزار مصداق جزئی دارد و یک روز کلی نزد خداوند، هزار سال جزئی دنیوی نزد ما است. بنابراین اگر هفتاد حجاب نورانی و ظلمانی به عنوان حجاب های کلی ذکر شود، در واقع مصداق حدیث فوق بیان شده است.

حجاب های ظلمانی مصداق الظلم ظلمات یوم القیامه بوده که همان طور که کثرت حجاب از وحدت است و عوالم ظلمانی حجاب از عالم نور و قدس است این حجاب ها نیز انسان را محدود به مادیات و محسوسات نموده و از توجه به ملکوت عالم غافل می سازند. به عبارت دیگر حجاب یا حسی است یا معنوی و حجاب حسی به لطیف و کثیف تقسیم می شود. حجاب حسی لطیف آن است که ماوراء آن دیده می شود و کثیف آن است که چشم به ماوراء آن نفوذ نمی کند و به عبارت دیگر حجاب یا نور محمدی است یا نور ابو جهلی، نور محمدی حجاب لطیف و جمیل و غیر مادی است و نور ابو جهلی حجاب کثیف و زشت و مادی است. در اینجا برخی از حجاب های ظلمانی را بر اساس کلمات حضرت امام خمینی توضیح داده می شود.

۱. حجاب علم

شاید کسی تصور کند که حجاب بودن علم به جهت آن است که حائل و فاصله بین عالم و معلوم می باشد، وقتی بین علم و عشق مقایسه شود روشن می گردد که در عشق هیچ حجابی نبوده و اتصال و پیوند عاشق و معشوق، بلکه فناء و ذوب شدن عاشق در معشوق است، لذا مانع و پرده ای وجود ندارد، به خلاف عالم که همیشه با عینک علم نظر می کند. البته علم عینک شفاف و لطیف بوده و به عبارت دیگر باید علم را جزء حجاب های نورانی دانست.

اما صحیح آن است که علم و استدلال و برهان حجاب های ظلمانی هستند، امام خمینی می فرماید: «کثرت اشتغال به علوم برهانی سبب ظلمت و کدورت قلب است»^{۳۰}. و در جای دیگر فرموده: «دلیل، خود پرده است و تا پرده هست فاصله هست و تا فاصله هست وصل حاصل نمی شود»^{۳۱}. کسی که در علوم دینی صرفاً مقداری اصطلاحات و مفاهیم را فرا گرفته و تصور می کند که بر اثر دانستن این اصطلاحات به مقام و درجه ای رسیده و خود را برتر از مردم می داند، علم او حجاب ظلمانی بوده و مانع از رسیدن به خدای متعال می باشد. حقیقتاً تفاوتی

بین آنکه چند اصطلاح «مقدمه واجب» و «اجتماع امر و نهی» و «اصالة الوجود» و «اعیان ثابته» فرا گرفته و بین آنکه چند اصطلاح در زمین شناسی یا هواشناسی یا نجاری و آهنگری می داند، وجود ندارد و نباید یکی را بر دیگری ترجیح داد. علمی ارزش است که علم دینی باشد، اما نباید فریب خورد و نام یک علم را علم دینی قرار داده و آن را مستمسک نموده، بلکه علم دینی آن است که اولاً هر چه انسان آن را بیشتر فرامی گیرد زهد بیشتر در دنیا پیدا می کند، و ثانیاً آن گونه که قرآن خیر داده است تمامی علما از خداوند ترس دارند، و چون کلمه «العلماء» جمع با الف و لام است مفید استغراق بوده و معنایش این است که تمامی علما از خداوند می ترسند، پس اگر کسی در یک علمی - هر علمی که قابل تصور باشد- رشد نمود اما از خداوند ترسی نداشت، او در اصطلاح قرآن عالم نیست. چنین کسی نه تنها عالم نیست و به خداوند نزدیک نشده است، بلکه واقعاً علم او ظلمات بوده و سبب دوری از خداوند است.

حضرت امام می فرماید:

ای طلبه مفاهیم، ای گمراه حقایق! قدری تأمل کن ببین چه داری از معارف؟ چه اثری در خود از حق و صفاتش می بینی؟ علم موسیقی و ایقاع شاید از علم تو دقیق تر باشد، هیئت و مکانیک و سایر علوم طبیعی و ریاضی در اصطلاحات و دقت با علم تو همدوش است، همان طور که آنها عرفان بالله نمی آورد، علم تو هم - تا محجوب به حجاب اصطلاحات و پرده مفاهیم و اعتبارات است - نه از او کیفیتی حاصل شود نه حال. بلکه در شریعت، علم علوم طبیعی و ریاضی از علوم شما بهتر است، زیرا که آنها نتیجه خود را می دهد و از شمایی نتیجه یا به عکس نتیجه می دهد! مهندس نتیجه هندسه را و زرگر نتیجه صنعت خود را می برد، شما از نتیجه دنیایی باز مانده به نتیجه معارف هم نرسیدید. بلکه حجاب شما غلظتش بیشتر است. تا

۲۹. بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۴۵.

۳۰. چهل حدیث، ص ۵۴۴.

۳۱. تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۱، ص ۳۵۴.

ذی الجلال می گردد. علم توحید هم اگر برای غیر خدا باشد از حجب ظلمانی است، چون اشتغال بماسوی الله است. اگر کسی قرآن کریم را با چهارده قرائت لماسوی الله بخواند جز حجاب و دوری از حق تعالی چیزی عاید او نمی شود...» ۳۶ به هر حال درس خواندن لازم است ولی تحصیل این علوم مقدمه برای تهذیب نفس و تخلّق به اخلاق کریمه است، اما متأسفانه برخی افراد تا آخر عمر در مقدمه مانده و ذی المقدمه را فراموش کرده اند.

۲. حجاب تقیّدات

هر چیزی که توجه به آن، انسان را از خدای متعال باز بدارد، حجاب ظلمانی است. تعینات جزو حجاب های نورانی بوده و تقیّدات از حجاب های ظلمانی به شمار می روند. امام خمینی معتقد است که اولین چیزی که برای هر طلبه ای لازم است تهذیب و اصلاح نفس است. امور بسیاری وجود دارد که انسان را بیچاره کرده و از تهذیب و تحصیل باز می گردد و او را مقیّد می سازد، چه بسا برای برخی افراد، ریش و عمامه بزرگ حجاب شده و او را از تحصیل باز دارد. ۳۷

صدر المتألّهین - برخی از این حجاب ها و راه برطرف کردن آنها را این گونه بیان کرده است: «در تهذیب نفس سالک باید با حجاب های درونی و بیرونی به مبارزه برخیزد. این حجاب ها عبارتند از:

۱. حجاب مال که آن را می توان با بخشش مال از میان برد.
۲. حجاب مقام که آن را می توان با دوری جستن از مناصب دنیوی نابود ساخت. تواضع و دوری از شهرت جویی نیز کمک به از میان بردن حجاب مقام می کند.
۳. حجاب تقلید که با مجاهده علمی صحیح و دوری از مجادله قابل اصلاح است.
۴. حجاب معصیت که با دوری از گناه و توبه قابل درمان است. ۳۸

وقتی انسان مورد توجه مردم قرار گرفت و مراجعات دینی و دنیوی مردم به کسی زیاد شد و صدای کفش از پشت سر شنیده شد، در این صورت بیشترین زمینه حجاب های ظلمانی پدید آمده است. خودبزرگی بینی و برتر دانستن خود نسبت به مردم از

صحبت احدیت در پیش می آید یک ظلمت بی انتهایی تصور می کنید! و تا از حضرت اسماء و صفات سخنی می شنوید یک کثرت لایتناهی در نظر می آورید! پس راهی به حقایق و معارف از این اصطلاحات پیدا نشد و خود سرمایه افتخار و تکبر بر علمای حقّه گردید. معارفی که کدورت قلب را بیفزاید معارف نیست. وای بر معارفی که عاقبت امر صاحبش را وارث شیطان کند، کبر از اخلاق خاصه شیطان است. او به پدر تو آدم کبر کرد، مطرود درگاه شد، تو که به همه آدم و آدمزاده ها کبر می کنی نیز مطرودی... ۳۲

آری کسی که علم را به جمع کردن اقوال و کتب و نقد سخنان علمای بزرگ و در نتیجه اتلاف عمر در قیل و قال و جمع اصطلاحات و فخر فروشی بر دیگران می داند، او در واقع در حجاب غلیظ و ظلمانی علم و اصطلاحات و مفاهیم قرار گرفته است. این گونه کلمات در آثار حضرت امام فراوان است. ۳۳

ضمناً هدف این سخنان آن نیست که علم و دانش کلاً ترک شده و کنار نهاده شود، بلکه مقصود این است که تکیه و اعتماد بر این علوم صحیح نیست، ۳۴ و بلکه بدون ورود در حجاب، خرق آن ممکن نیست. و به گفته حافظ:

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است
راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدهش

غزالی فرموده: اگر شنیدی که علم حجاب است، آن را انکار مکن، زیرا کسی که راه جدل را می پیماید علم او حجاب است. همچنین است کسی که علم باعث دل مشغولی او گردد و به خیالات و محسوسات روی می آورد، اما کسی که از این پندار بیرون آید، علم حجاب وی نباشد. ۳۵

باز امام خمینی می فرماید: «هرچه این مفاهیم، در قلب سیاه و غیر مهذب، انباشته گردد حجاب زیادتر می شود، در نفسی که مهذب نشده علم، حجاب ظلمانی است. «العلم هو الحجاب الاکبر» لذا شرّ عالم فاسد برای اسلام از همه شرور خطرناک تر و بیشتر است. علم، نور است ولی در دل سیاه و قلب فاسد، دامنه ظلمت و سیاهی را گسترده تر می سازد. علمی که انسان را به خدا نزدیک می کند، در نفس دنیا طلب، باعث دوری بیشتر از درگاه

۳۲. چهل حدیث، ص ۹۰، شرح حدیث چهارم.

۳۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۳۹؛ ج ۱، ص ۶.

۳۴. چهل حدیث، ص ۵۴۴.

۳۵. کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۳۷.

۳۶. جهاد اکبر، ص ۲۱۲.

۳۷. همان، ص ۲۱۵.

۳۸. عرفان و عارف نمایان، ترجمه کسراصنام الجاهلیه، ص ۱۶۸؛ سیمای انسان

کامل از دیدگاه مکاتب، ص ۲۶۳.

حجاب‌های غلیظ ظلمانی است که در این دنیا انسان را از کمال تحصیل علم و معرفت و تهذیب باز می‌دارد و در آخرت او را به هلاکت ابدی وارد می‌کند. «پرده عجب و حجاب غلیظ خودپسندی مانع می‌شود از آن که انسان بدی‌های خود را ببیند».^{۳۹}

ما در اینجا برخی دیگر از حجاب‌های ظلمانی را ذکر می‌کنیم، هر چند آنها را اصطلاحاً تحت عنوان «حجاب تقیّدات» نتوان قرار داد، ولی مقصود ما از عنوان «حجاب تقیّدات» اشتغال به هر چه ماسوی الله است، می‌باشد. توحید حقیقی اسقاط کردن اضافات و تقیّدات و تعیّنات است. و چون هر چه غیر خدا است می‌تواند پای بند انسان شده و او را محدود به عالم طبیعت و ماده کند، ما همه این حجاب‌های مادی را تحت عنوان حجاب تقیّدات قرار می‌دهیم. «حجاب کبر». گاهی انسان کمالی را در خود توهم نماید و به سبب آن خود را برتر از دیگران پندارد، این حجاب انسان شده و او را از خداوند دور می‌سازد. «مثلاً در علمای عرفان گاهی پدید آید کسی که خود را از اهل معارف و شهود داند و از اصحاب قلوب و سابقه حسنی انگارد و بر دیگران لاف ترفع و تعظم زند، و حکما و فلاسفه را قشری، و فقها و محدثین را ظاهرین و سایر مردم را چون بهائم داند و به همه بندگان خدا به نظر تحقیر و تعییر نگاه کند و بیچاره خود لاف از فناء فی الله و بقاء باللّه زند و کوس تحقّق کوید، با آنکه معارف الهیه اقتضا می‌کند، خوش بینی به موجودات را، و اگر شَم معرفت الله کرده بود، به مظاهر جمال و جلال حق، تکبر نمی‌کرد. چنانچه در مقام بیان و علم، خود او نیز تصریح به خلاف حالت خود کند، و این نیست جز آن که معارف به قلبش وارد نشده و بیچاره به مقام ایمان هم نرسیده، دم از عرفان می‌زند و از عرفان خطی نداشته، از تحقّق سخن می‌راند».^{۴۰}

حجاب کبر از حجاب‌های غلیظ عالم ماده و ظلمت است که موجب می‌شود نه تنها انسان از خدای متعال و عالم لاهوت دور ماند بلکه او را حتی از ورود به عالم ملکوت نیز باز داشته بلکه از هر حرکت معنوی جلوگیری می‌کند. «خداوندا!، حجاب غلیظ و پرده‌های ضخیم خودپسندی، خودپرستی را پاره کن و ما را به مجلس قدس راه بده، و این دیو سیرتی و زشت خوئی و درشت گویی و خودآرایی و کج‌نمایی را از ما برکنار نما»^{۴۱} «خداوندا ما اهل حجاب و ظلمتیم، اهل شرک و نفاق، ما خودخواه و خودپسندیم، تو حبّ دنیا را از دل ما بیرون کن».^{۴۲} «حجاب شهوت». یکی از خطرناک‌ترین حجاب‌های ظلمانی حجاب شهوت است، و بلکه می‌توان ادعا کرد بزرگ‌ترین حجاب انسان حجاب شهوت است. نجم‌الدین رازی گوید: «شهوت کامل‌ترین صفت حیوانی است و بزرگ‌ترین حجاب از آن

خیزد، و دیگر صفات حیوانی به خوش خوردن و خوش خفتن غلبه گرفت حجب زیاد شد و انس حضرت نقصان پذیرفت، چه به مقدار آنک از لذّات و شهوات حیوانی نفس آدمی ذوق می‌یابد با آن انس می‌گیرد و بدان مقدار، انس حق از دل او کم می‌شود».^{۴۳}

فرورفتن در شهوات و انس به آنها نه تنها باعث می‌گردد که اندک اندک به تکذیب آیات الهی روی آورد،^{۴۴} بلکه قلب را وارونه و واژگون ساخته^{۴۵} و در نتیجه نگرش انسان نسبت به خوبی‌ها و بدی‌ها عوض شده خوبی را بدی می‌پندارد و زشتی را زیبایی تصور می‌کند. امام خمینی می‌فرماید: «ای عزیز اولیا را به خود قیاس مکن و قلوب انبیا و اهل معارف را گمان مکن مثل قلوب ما است. دل‌های ما غبار توجه به دنیا و مشتتهیات آن را دارد، و آلودگی انغمار در شهوات نمی‌گذارد مرآت تجلیات حق شود و مورد جلوّه محبوب گردد. البته با این خودبینی و خودخواهی و خودپرستی باید از تجلیات حق تعالی و جمال و جلال او چیزی نفهمیم بلکه کلمات اولیا و اهل معرفت را تکذیب کنیم و اگر در ظاهر نیز تکذیب نکنیم در قلوب تکذیب آنها نماییم ...».^{۴۶}

از حضرت رضا(ع) سؤال شد که چرا خداوند از خلق در حجاب است. فرمود: «حجاب از بسیاری گناهان مردم است».^{۴۷} پس هیچ حجاب ظلمانی جز گناه وجود ندارد البته باید به عرض عریض و گسترده گناه توجه داشت از خطیئه آدم تا خطیئه ابلیس بیش از آسمان تا زمین فاصله است.

سعدی حجاب نیست تو آینه پاک دار

زنگار خورده چون بنماید جمال دوست

تو را تا آینه زنگار باشد

حجاب دیدن دلدار باشد

۳۹. چهل حدیث، ص ۵۸، ذیل شرح حدیث سوم.

۴۰. همان، ص ۷۰، ذیل شرح حدیث چهارم.

۴۱. همان، ص ۶۶.

۴۲. همان، ص ۷۱.

۴۳. مرصاد العباد، ص ۹۱.

۴۴. سوره روم، آیه ۱۰.

۴۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۴.

۴۶. مقاله امام خمینی در آخر «رساله لقاءالله»، ص ۲۵۷.

۴۷. توحید صدوق، ص ۲۴۵؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۵.

متعال شود باعث حجب ظلمانی می شود، تمام عوالم اجسام حجاب های ظلمانی می باشد، و اگر دنیا وسیله توجه به حق و رسیدن به دار آخرت - که دارالتشریف است - باشد حجاب های ظلمانی به حجب نورانی مبدل می گردد،^{۴۸} بلکه حضرت امام معتقدند آنکس که اخلاص الی الارض دارد او در پست ترین حجاب ظلمانی یا اسفل السافلین حجاب های ظلمانی یعنی عالم طبیعت و ماده قرار دارد.^{۵۱}

یکی دیگر از حجاب های ظلمانی «حجاب وقوف» است. انسان هیچ گاه حدیقف ندارد، در هر مقام و درجه ای که باشد باز مقامات و درجات بیشتری روبرو می آید. حتی کسی که به مقام فنا و بقاء بالله رسیده است تازه ابتدای حرکت در درجاتی است که هرگز در عبارت قابل بیان شدن نیست. اگر کسی تصور کرد که به برخی درجات و کمالات رسیده و این تصور واهی و خیال باطل رهزن او شده و او را از حرکت بازداشت این عدم حرکت و وقوف حجاب ظلمانی اوست. همچنان که وقوف با خلق حجاب از حق است و وقوف با حق حجاب از خلق است.

گاهی توجه به بی حجاب بودن نیز نوعی حجاب و مسبب دوری از خداوند است. وقتی بی حجابی مشغله قلبی و ذهنی عارف گردد خود این بی حجابی نوعی حجاب خواهد بود، به هر حال تا انسان خود را و یا بی حجابی خود و یا هر چه غیر خداست می بیند گرفتار حجاب است وقتی بایزید گفت یارب متی اصلُ الیک = خدایا تا کی در آتش هجران تو بسوزم و کی مرا شربت وصال می دهی؟ ندا آمد که: هنوز تویی تو همراه تست اگر می خواهی به ما برسی دع نفسک و تعال خود را بر در گذار و در آی.^{۵۲}

در برخی احادیث غفلت نیز جزء حجاب های ظلمانی شمرده شده و بلکه آن را منشأ و سرآغاز سایر حجاب ها ذکر کرده اند. «العقله سبب کل حجاب».^{۵۳}

اگر غفلت سبب همه حجاب های ظلمانی است می توان ادعا کرد که یاد خدا و رفع غفلت نیز باعث خرق همه حجاب های ظلمانی است: «اذا ذکر الله ارتفع کل حجاب»^{۵۴} یعنی هرگاه خداوند یاد شود و حضور قلبی به او باشد همه حجاب ها کنار

«حجاب طبیعت»، توجه به هر چه غیر خداست حجاب بین انسان و خدای متعال می باشد. ولی اگر توجه به عالم طبیعت و ماده باشد این حجاب ظلمانی است و اگر توجه به ملکوت و جبروت باشد این حجاب نورانی است. «اگر نفس توانست خود را از این قشر و حجاب طبیعت خلاص کند دارای بصیرت می شود».^{۴۸} آنکس که در زندان طبیعت است دارای چشمی است که تنها ظاهری از دنیای مادی می بیند اما کسی که از ظاهر دنیا به باطن آن روی آورد صاحب بصیرت می شود و می فهمد رؤیت خداوند یعنی چه امام خمینی پس از شکوه از کسانی که معارف بلند دین را حمل بر یک امور ظاهری و مادی می کنند می فرماید: «افسوس که ما بیچاره ها گرفتار حجاب ظلمانی طبیعت و بسته های زنجیرهای آمال و امانی، جز مطعومات و مشروبات و منکوحات و امثال اینها چیزی نمی فهمیم، و اگر صاحب نظری یا صاحب دلی بخواهد پرده از این حجاب را بردارد جز عمل بر غلط و خطا نکنیم و تا در چاه ظلمانی عالم ملک مسجونیم از معارف و مشاهدات اصحاب آن چیزی ادراک ننماییم».^{۴۹}

در بحث از حجاب طبیعت و شواغل حسّی می توان ادعا کرد که مراتب نازل وجود حجاب از مراتب عالی است و چون شیخ اشراق عالم ماده را ظلمت و فاقد نور می داند، پس تمام عالم ماده حجاب ظلمانی به شمار می رود، و هر کس انس به طبیعت دارد گرفتار چنین حجابی شده است، و به تعبیر بهتر می توان گفت چون انسان در دامان و دل طبیعت به وجود می آید و النفس جسمانیة الحدوث و طبیعت چون دایه و مادری برای انسان است انس به طبیعت و دل بستگی و دلدادگی به آن همانند ازدواج با مادر است که نشانه نهایت پستی و زشتی است. به عبارت دیگر هر کس نظر استقلالی به عالم ماده داشته باشد، گرفتار بت پرستی و ثنویت شده و این عالم برای او حجاب ظلمانی است، ولی کسی که این جریان را آیه و ظل ببیند و نظر استقلالی به آن نکرده، بلکه عالم را ممکن الوجود و فقیر و محتاج به خداوند دانسته و با نگاه به عالم خداوند را ببیند این جهان برای چنین انسانی حجاب نورانی خواهد بود، با امکان دیدن دلدار نگاه به تصویر او در آینه خطاست. امام خمینی می فرماید: «کلیه امور دنیوی اگر موجب توجه انسان به دنیا و غفلت از خداوند

۴۸. تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۴۹. مقاله امام خمینی در آخر «رساله لقاء الله»، ص ۲۵۶.

۵۰. جهاد اکبر، ص ۲۴۴.

۵۱. همان، ص ۲۴۵.

۵۲. حافظ نامه، ج ۲، ص ۸۵۷.

۵۳. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۱۰.

۵۴. همان، ج ۷۰، ص ۵۵.

می روند. در مناجات شعبانیه نیز «حجاب سهو» ذکر شده است،^{۵۵} یک معنای حجاب سهو آن است که اشتغال نفس به تدبیر بدن حجاب آن از صعود به ملکوت است،^{۵۶} و احتمال دیگر آن است که چون اولین مرحله و اولین قدم در سیر و سلوک یقظه است تا کسی از خواب غفلت بیدار نشده و متوجه به عالم معنا و معنویت نگردیده از تمامی مسائل عرفانی و اخلاقی در حجاب خواهد بود.

صدرالمتألهین در مقام معرفی حجاب هایی که مانع از انکشاف صور علمیه برای نفس انسان است، می فرماید: «حجاب ها بر پنج قسم می باشند»:

۱. ضعف قوه و استعداد و نقصان جوهری انسان و بالقوه بودن او.
۲. کدورت های گناهان و شهوات که گوهر انسانی را کدر نموده و همچون زنگار آینه مانع از ظهور حق می گردند.

۳. روی گردانی انسان از عالم حقایق به زندگی دنیوی. و توجه کامل به مباحث فروع دین و غفلت از معارف اصلی دین.

۴. حجاب هایی که به واسطه تقلید و تعصب از ابتدای تولد همراه انسان بوده و موجب پذیرفتن اعتقادات باطل گردیده است. اینها همچون دیوار بین آینه و تصاویر، حجاب بین نفس انسان و فهمیدن حقایق می گردند.

۵. کوچ نمودن از یک صورتی به صورتی دیگر و نرسیدن به هدف اصلی که همان مشاهده جمال یار است. نادانی نسبت به اصول معارف و عدم انتقال از صورتی به صورت دیگر باعث محرومیت است.

در میان این حجاب ها چیزی بدتر از اشتغال به غیر حق نیست و کار شیاطین این است که با چرخیدن به دور قلب مردم آنان را مشغول به غیر خداوند نموده و در نتیجه از نظر به ملکوت آنان را محروم می کنند.^{۵۷}

از دیگر مصداق های حجاب ظلمانی پشت پا زدن به علم فقه و کم اهمیت جلوه دادن آن است، توهم رسیدن به طریقت و حقیقت حجابی غلیظ است که برخی را از رعایت آداب ظاهری شریعت و اهمیت فراوان آن غافل نموده است. این حجاب برای کسانی که در علوم عقلی و ذوقی کار می کنند، از مهم ترین آفت ها است.

دوری گزیدن از جامعه و امور مسلمانان و در نتیجه فکر جدایی دین از سیاست از دیگر حجاب های ظلمانی در دیدگاه حضرت امام است. و بالجمله هوای نفس و اتانیت و «من» گفتن و بلکه هر چه موجب ضلالت است به نوعی از اقسام حجاب های ظلمانی است.

آنچه ذکر شد شمه ای بود از حجاب های ظلمانی بین ما و ملکوت عالم، اگر توفیق و لطف الهی یاری کند و این هفتاد هزار

حجاب را خرق کنیم تازه به ملکوت راه خواهیم یافت ولی از ملکوت تا جبروت و از جبروت تا لاهوت هزاران هزار حجابی وجود دارد که ما نه نام آنها را می دانیم و نه امیدی به خرق آنها، گرچه فضل و رحمت الهی بی نهایت است. «خداوندا، بارالها، ما اهل معصیت و محجوبین از ساحت کبریا چه بگوئیم، جز آنکه با لقلقه لسان عرض کنیم رجاء ما به مراحم تو است و امید و ثقه ما به فضل و مغفرت تو است و به جود و کرم آن ذات مقدس است».^{۵۸}

حجاب های نورانی

«بارالها، این حجب نور که در لسان ائمه معصومین (ع) متداول است، چیست؟ این معدن عظمت و جلال و عزّ قدس و کمال چه چیزی است که غایت آن بزرگواران است، و ما تا آخر از فهم علمی آن هم محرومیم تا چه رسد به ذوق آن و شهود آن؟ خداوندا، ما که بندگان سیه روی سیه روزگاریم، جز خور و خواب و بغض و شهوت از چیز دیگر اطلاع نداریم و در فکر اطلاع هم نیستیم، تو خود نظر لطفی به ما کن و ما را از این خواب بیدار و از این مستی هشیار فرما».^{۵۹}

در بحث از حجاب های ظلمانی سخن از آشکار و ظاهر بودن خداوند است و اینکه لازم انسان حجاب ها و پرده ها را کنار زند تا خدا را ملاقات کند، پس حجاب های ظلمانی باعث شده که خداوند از چشم مردم احتجاج یابد و چشم سر به محضر او راه نداشته باشد. اما در بحث از حجاب های نورانی سخن از باطن و سرّ و غیب بودن خدای متعال است یعنی کنه ذات مقدس هرگز قابل شناخت نیست و آن کنز مخفی نه تنها از چشم بلکه از بصیرت و قلب مردم نیز اکتناه و احتجاج داشته و او در دنیا و در آخرت برای همه حتی برای مقربان و کرویّان غیب مطلق و عماء محض است.

«حجاب نورانی» از واژه های رمزی عرفان است، و چون

۵۵. ووجه سهوه عن عفوك.

۵۶. شواهد الرویبه، ص ۲۱۴.

۵۷. همان، ص ۲۵۴.

۵۸. چهل حدیث، ص ۲۲۵، شرح حدیث چهاردهم.

۵۹. همان، ص ۴۳۲، شرح حدیث بیست و هفتم.

ادعا کزد که در همه جا نور رفع حجاب است اما در مورد خدای متعال نور خود حجاب بین انسان و خدا است.

تیمن به ذکر چند حدیث

برای ما انسان ها حجاب هایی وجود دارد که حائل بین انسان و ملکوت آسمان ها می باشند. «حجبوا من السموات»، ۶۱ و لی ملائکه مقربین و رسول خدا و ائمه اطهار (ع) حجابی از آسمان نداشته بلکه آنان ملکوت و جبروت را پشت سر نهاده اما بین آنان و ذات مقدس الهی حجاب هایی وجود دارد: «إن بینی و بین الرب لسبعین حجاباً». ۶۲

«بینه و بین الملائکه سبعون حجاباً»، ۶۳ و در جای دیگر تعداد حجاب های بین حضرت رسول و ذات مقدس را نود حجاب نورانی دانسته است. ۶۴

الف. «احتجب عن العقول كما احتجب عن الابصار، و عمن فی السماء احتجابه كمن فی الارض» ۶۵ خداوند از عقل مردم همان گونه حجاب دارد که از چشم مردم حجاب دارد، اگر چشم حجاب داشته و او را نمی بیند عقل نیز حجاب داشته و به محضر ربوبی راه ندارد، آسمانیان نیز همانند مردم روی زمین از خداوند حجاب دارند. و نه تنها این حجاب مانع بین مردم و عقل مردم و خدای متعال است بلکه بین آنان و غیب مکنون نیز حجاب وجود دارد: «حال دون غیبه المکنون حجب من الغیوب»، ۶۶ حجاب های غیبی پیش از رسیدن هر کس به آن درگاه مانع انسان ها می گردند.

ب. «ان بین الله و بین خلقه تسعین الف حجاب» ۶۷ بین خداوند و خلق نود هزار حجاب وجود دارد. این حجاب ها بین خداوند و بین مخلوقات مادی است ولی رسول خدا از هفتاد هزار گذشته است. ۶۸ البته هر کدام از این حجاب ها عرض گسترده ای داشته و به چندین حجاب دیگر تقسیم می شود. ۶۹

ج. در برخی روایات اسمای الهی و مخلوق نخستین و ملائکه

حجاب مانع از دیدن است و نور مکمل آن است باید گفت حجاب نورانی یا «نور سیاه» عبارتست از هر مرحله از مراحل سیر و سلوک روحانی که توقف سالک در آن مانع از صعود به مراحل بالا باشد. این مراحل عرفانی از یک جهت مثبت و از جهت دیگر منفی خواهند بود، از جهتی نورند و از جهتی حجاب هستند. مثلاً هر کدام از صفات الهی برای عوام مردم مصداق اخلاق حمیده است، اما همان ها برای خواص حجاب نورانی هستند. به نظر خواص توجه کردن استقلالی به اسماء و صفات مانع از توجه به محبوب و مطلوب حقیقی است، توجه به آیات حجاب از توجه به ذی الایه است. شاید بتوان ادعا کرد که غضب و شهوت و حب مال و جاه و غفلت و حرص و بلکه همه افراط ها و تفسیرط ها در قوای نفسانی مصداق حجاب های ظلمانی هستند و توجه به نماز و عبادت و حج و ذکر و همه اوصاف و فضائل اخلاقی مصداق حجاب های نورانی اند.

دیدیم نهران گیتی و اصل دو جهان

وز علت و معلول برگزشتیم آسان

آن نور سیه زلا فقط برتر دان

زان نیز گذشتیم نه این ماند و نه آن

حجاب های ظلمانی «آیه لیلی» بوده و باید آنها را محو کرد زیرا سدر راه و قطعاً الطریق انسان های مرید هستند. ولی حجاب های نورانی «آیه نهاری» و مبصره بوده که حق را نشان می دهند و سبب مشی و پیشرفت هستند «کلما اضاء لهم مشوا فیه و اذا اظلم علیهم قاموا»، ۶۰ اما مهم برای ما آن است که نشان دهیم که حجاب های نورانی گرچه خداوند را نشان می دهند، اما باید توجه داشت که «من وراء الحجاب» خدا را نشان می دهند و هیچ گاه معاینه و بدون پرده حق را نمی توان ملاقات نمود زیرا او عروس همیشه پرده نشین غیب است و هیچ چشم دلی محرم دیدار او نیست او چنان سبحان و مقدس است که هیچ عقل و دلی آن طهارت و پاکی را ندارد که معاینه جمال و جلال آن قامت رعنا کند.

حجاب های نورانی در عین آنکه چون نور ظاهر و آشکار هستند و بلکه هر چه نور بیشتر باشد مرئی را بهتر نشان می دهند اما وقتی نور بسیار زیاد شود مرئی قابل دیدن نخواهد بود. البته به جهت ضعف دیده ما نه به جهت ضعف مرئی. پس می توان

۶۰. سوره بقره...

۶۱. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۶۱، و در ج ۹۴، ص ۵۶ آمده است: «کنان بینها و بین السماء سبعون حجاباً».

۶۲. همان، ج ۵۸، ص ۴۴.

۶۳. همان، ج ۵۸، ص ۴۴.

۶۴. همان، ج ۵۹، ص ۲۵۱؛ ج ۱۶، ص ۲۹۳؛ ج ۱۸، ص ۲۵۸، در حدیث دیگری آمده است: «ضرب الله بینی و بینة حجاباً من نور» همان، ج ۸، ص ۱۴۹.

۶۵. تحف العقول، ص ۱۷۵.

۶۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۵.

۶۷. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۴۲۷؛ ج ۵۸، ص ۴۲.

۶۸. همان، ج ۱۸، ص ۳۹۸.

۶۹. همان، ج ۵۸، ص ۳۹.

و پیامبر (ص) به عنوان حجاب های خداوند ذکر شده اند. مثل:

«بالاسم الذی احتجبت به».

«محمد صلی الله علیه وآله حجاب الله».^{۷۱}

«الامام حجاب الله وآیه الله».^{۷۲}

«هم حجاب الله الاعظم».^{۷۳}

«امر الله بعض الملائكة حتى یحجیوه».^{۷۴}

«اول ما خلق الله حجبہ».^{۷۵}

«بنا احتجب عن خلقه».^{۷۶}

«حجبتکم ... بأسماء الله».^{۷۷}

«هذا اسرافیل حاجب الرب».^{۷۸}

در روایات اصطلاحات «حجاب اولی»، «ثانی»، «ثالث»، «رابع»، «خامس» و «حجاب اعلی»، «حجاب من نار»، «حجاب من ماء»، «حجاب من ریح»، «حجاب المجد»، «حجاب القدره»، «حجاب الغمام»، «حجاب رعب»، «حجاب شفاعت»، «حجاب هیبة»، «حجاب جلال»، «حجاب رفعت»، «حجاب عزت»، «حجاب کبریا»، «حجاب الحمد»، «حجاب العظمة»، «حجاب جبروت»، «حجاب قدس»، «حجاب حیرت» و ... آمده است. اکثر این حجاب ها و بلکه هیچ کدام از اینها را نگارنده حتی مفهوم آنها را نمی فهمد. معلوم نیست ما تا کی باید در این حجاب غفلت و جهل و ظلمت بمانیم اگر روزی خداوند لطف کند و این اصطلاحات را فراگیریم و از حجاب غفلت و جهل بگذریم تازه به حجاب غلیظ مفاهیم و اصطلاحات گرفتار می شویم، گویا ارزش و استعداد ما بیشتر از آن نیست که غیر از حجاب ظلمانی از چیز دیگر باخبر شویم تا چه رسد به عملی یا خرق حجاب های نورانی. خداوندا، قلب ما در حجاب است، عقل ما در حجاب است، چشم ظاهر و بصیرت ما در حجاب است، محبویا، شعله ای از آتش عشقت بفرست و نه تنها انانیت و هوای نفس بلکه انیعت و هستی ما را بسوزان شاید یک حجاب از هزاران هزار حجاب بین ما و ملکوت چیزی کم شود. آری، تا خویش تنی به وصل جانان نرسی.^{۷۹}

بگذر از خویش اگر عاشق دلباخته ای

که میان تو و او جز تو کسی حائل نیست^{۸۰}

ما در این ره حجاب خویشتم

ورنه روی تو در برابر ماست

بیان برخی از حجاب های نورانی

الف. «حجاب اسماء» اسماء بر دو قسم اند: برخی از آنها نور است، یعنی اسمائی که دلالت بر امور وجودی دارند و برخی دیگر اسمائی است که دلالت بر تنزیه دارند. این اسماء حجاب هایی هستند که اگر بر طرف شوند احدیت ذات مقدس

آشکار می گردد، زیرا اسماء مرتبه واحدیت را نشان می دهند و کنار رفتن آنها به معنی ظهور مرتبه احدیت است. وقتی احدیت ظهور یافت دیگر هیچ چیزی دیگری وجود نخواهد داشت «کیست که با هستی اش نام هستی برد» وقتی چیزی موجود است که این اسماء موجود باشند، پس ممکنات وقتی وجود دارند که اسماء موجود باشند. ولی در مرتبه احدیت که اسم های خاص و متعین نیست اشیاء نیز وجود ندارند.^{۸۱} و شاید معنی این حدیث شریف که می فرماید: خداوند هفتاد هزار حجاب از نور و ظلمت دارد که اگر آنها کنار روند هر چه در برابر اوست سوخته و نابود می شود همین باشد که در مرتبه احدیت هیچ موجودی وجود نخواهد داشت. و معنای «سبحات الوجه» احتمالاً انوار تنزیه است یعنی سلب آنچه که سزاوار مقام ذات مقدس نیست یعنی امور عدمیه. این سبحات وجه سبب نابودی همه موجودات دیگر امکانی است.

بنابراین اسمای الهی همه حجاب هایی هستند و به قدری لطیف می باشند که با وجود هفتاد هزار حجاب نورانی در عین حال «او از رگ دل - نه رگ گردن - به ما نزدیک تر است. آری غایت قرب حجاب است. همچنان که غایت بعد نیز حجاب دیگری است. امام خمینی معتقد است که: «هر تعینی حجاب است، و لذا اسم نیز حجاب است، خداوند هفتاد هزار حجاب نور و ظلمت دارد، این حجاب ها هم حجاب هستند و هم ظهور حق. مثل واحد که محجوب در اعداد است و هم ظاهر به آنها است، مثل

۷۰. همان، ج ۸۷، ص ۱۲.

۷۱. همان، ج ۲۳، ص ۱۰۲.

۷۲. همان، ج ۲۵، ص ۱۶۹.

۷۳. همان، ص ۱۷۲.

۷۴. همان، ج ۶۱، ص ۵۳؛ ج ۸۵، ص ۲۵۶.

۷۵. همان، ج ۳۶، ص ۳۴۲.

۷۶. همان، ج ۱۵، ص ۱۰؛ ج ۲۶، ص ۲۹۱؛ ج ۵۷، ص ۱۹۲.

۷۷. همان، ج ۹۴، ص ۳۷۵.

۷۸. همان، ج ۱۶، ص ۲۹۲؛ ج ۵۹، ص ۲۵۱؛ ج ۱۶، ص ۲۹۲ و ...

۷۹. دیوان امام، ص ۶.

۸۰. همان، ص ۱۵۶.

۸۱. ر. ک: فتوحات مکیه، ۹ جلدی، ج ۳، ص ۱۶۴، باب ۷۳.

انسان کامل در کشف تام حجاب ندارد،^{۸۵} ولی عبادت او در حجاب اعلی و اعظم قرار دارد، امام خمینی می فرماید: «هر عبادتی دائماً در حجاب اسماء و صفات است حتی عبادت انسان کامل، با این تفاوت که انسان کامل اسم اعظم «الله» را می پرستند ولی دیگران به حسب مقام و درجه خود سایر اسماء را می پرستند. عبادت در ابتدای سیر و سلوک محجوب به اسماء است و محجوب به اعیان».^{۸۶}

به عبارت دیگر بین انسان کامل و اسم مبارک «الله» حجابی نیست، ولی بین او و مقام عماء یا «هو» هزاران حجاب نورانی وجود دارد. به گفته حاجی سبزواری آنچه آنچنان که بین دال و یاء در «عبادی» حجابی نیست بین انسان گنه کار و رحمت خداوند حجابی وجود ندارد.^{۸۷} اما نبودن حجاب بین انسان و رحمت خداوند هرگز قابل مقایسه با نبودن حجاب بین او و «الله» نیست. امام می فرماید: «... در این حال بین روح مقدس سالک و حق حجابی جز اسماء و صفات نیست و از برای بعضی از ارباب سلوک ممکن است حجاب نوری اسمائی و صفاتی خرق گردد و به تجلیات ذاتی عینی نائل شود و خود را متعلق و متدلی به ذات مقدس ببیند و در این مشاهده احاطه قیومی حق و فنای ذاتی خود را شهود کند، و بالعیان وجود خود و جمیع موجودات را ظلّ حق ببیند و چنانچه برهاناً بین حق و مخلوق اول که مجرد از جمیع مواد و علایق است حجابی نیست، بلکه بین مجردات مطلقاً حجاب نیست برهاناً، همین طور، این قلبی که در سعه و احاطه هم افق با موجودات مجرد شده بلکه قدم بر فرق آنها گذاشته حجابی نخواهد داشت...».^{۸۸}

ج. دنیایی که وسیله رسیدن به آخرت باشد نیز یک نوع حجاب نورانی است. امام می فرماید: «اگر دنیا وسیله توجه به حق و رسیدن به دار آخرت باشد حجاب های ظلمانی به حجب نورانی مبدل می گردد، و کمال انقطاع آن است که تمام حجب ظلمانی و نورانی پاره و کنار زده شود تا به مهمانسرای الهی که معدن عظمت است بتوان وارد گردید».^{۸۹}

کلی طبیعی و لا بشرط که ظهورش در تعین متعینات است».^{۸۲} ب. «انسان کامل و حجاب های نورانی» آیا در کشف تام محمدی (ص) حجاب وجود دارد یا خیر؟ قبلاً در روایاتی که ذکر شد بین رسول خدا (ص) و خدای متعال نود هزار حجاب نورانی را ذکر کرده بود. ولی آیا این احادیث حجاب های بین مرتبه ناسوتی آن انسان کامل و ذات مقدس را بیان می کند یا حتی مقام روحی و عقل اول آن حضرت که صادر نخستین و نفس رحمانی است نیز دارای حجاب است؟ روشن است که انسان کامل و در کشف تام محمدی بین او و واحدیت و بلکه احدیت و حتی مقام جمع حجابی وجود ندارد، اما باید بین او و مقام عماء حجاب نورانی اسم مستأثر را پذیرفت.

امام خمینی معتقد است: «در عالم مثال و بالاتر حجاب نیست اصلاً. و حجاب با ورود به عالم ماده حاصل می شود. لذا در آن عوالم سعید و شقی مساوی هستند ولی اینجا حجاب هست. وقتی کسی به فنای تام برسد و وفاء به عهد کند... عهد به توحید حقیقی و ولایت کبری- بقاء بالله پیدا می کند. مقصود از خسران در آیه شریفه «ان الانسان لفی خسر» نیز همین حجاب های مادی است و کسی که ایمان به مقام ولایت مطلقه و به توحید بیاورد حجاب ندارد».^{۸۳}

مقام جمع حجاب از مقام فرق است و مقام فرق حجاب از مقام جمع، مقام جمع یعنی معرفت ذات مقدس در مقام الوهیت و تجلی ذات مقدس به اسماء و صفات. و مقام جمع الجمعی یعنی مقام فرق پس از جمع که ظهور صور اعیان موجودات در مرآة حق تعالی است. ولی امام خمینی جمع الجمع را در صورتی می داند که مقام جمع، حجاب از مقام فرق نباشد و فرق حجاب از جمع نباشد، یعنی در کشف تام محمدی (ص) این حجاب وجود ندارد.^{۸۴}

باید توجه داشت که مقصود امام خمینی از اینکه در عالم مثال و بالاتر حجاب وجود ندارد. این است که در ملکوت و جبروت حجاب ظلمانی و شواغل حسی وجود ندارد ولی حجاب های نورانی آنجا وجود دارند بلکه اصل و منبع حجاب های نورانی همان عالم مثال است.

۸۲. تعلیقه امام خمینی بر «شرح فصوص الحکم» با تصحیح استاد آشتیانی، ص ۵۵۵. و نیز رجوع شود به «تفسیر سوره حمد» ص ۷۹ که اسما و صفات را حجاب های نورانی دانسته است.

۸۳. همان، ص ۶۰۹.

۸۴. همان، ص ۵۸۳.

۸۵. تفسیر سوره حمد، ص ۵۵.

۸۶. تعلیقه امام خمینی بر «شرح فصوص الحکم» با تصحیح استاد آشتیانی، ص ۵۷۹.

۸۷. شرح الاسماء الحسنی، ص ۲۱۸.

۸۸. مقاله امام خمینی ذیل کتاب «رساله لقاء الله» ص ۲۵۴.

۸۹. جهاد اکبر، ص ۲۴۴.

د. «حجاب احدیت» احدیت پرده عزتی است که هرگز کنار نمی رود و نباید کسی طمع در خرق این حجاب داشته باشد. البته این آخرین حجاب نیست بلکه پس از آن نیز حجاب های دیگر نورانی وجود دارد، اسم مستأثر حجایی نورانی است که همه نسبت به آن نامحرم بوده و غیرتش غیر در جهان نگذاشت.

ه. «حجاب عشق» به نظر حضرت امام: «جمع بین شریعت و طریقت اقتضاء می کرد که ابراهیم هم فرزند و هم قوچ را ذبح کند ولی شدت محبت ابراهیم و عشق او، حجاب او شد از جمع، و خواست فرزند را ذبح کند. پس شدت محبت و عشق می تواند یکی از حجاب های نورانی باشد و حجاب است زیرا مانع جمع است».^{۹۰}

و. برخی دیگر از حجاب های نورانی عبارتند از:

دیدن حجاب حجاب است، همچنان که توجه به بی حجایی نیز نوعی حجاب است، هر کدام از ملکوت، عرش، عبادت، جنت، عقل، آیات و اسماء حسنی حجاب هایی هستند و امام خمینی در مورد آنها سخنانی دارد که به جهت طولانی شدن مقاله از ذکر آنها صرف نظر می شود.

محبوبان

قبلاً ذکر کردیم که از نظر امام خمینی حجاب اکبر همان علوم رسمی و مفاهیم و اصطلاحات و غرق شدن در آنها است، علمی که ایمان نیاورد، علمی که افزایش آن تلازمی با افزایش خوف از خداوند نداشته باشد، چنین علمی حجاب اکبر و کثیف ترین حجاب است. در میان محبوبان نیز بیشترین ستر و پرده را چنین عالمی دارد و اوست که دورترین انسان از خداوند است.

به عقیده امام مجردات و ساکنان ملکوت و جبروت، محبوب نیستند. محبوب را باید در آنان که در این خراب آباد ناسوت دل خوش کرده اند، مشاهده نمود. برخی محبوب بالحق من الخلق اند. گروهی دیگر محبوب بالخلق عن الحق اند اینان مصداق «بل هم اصل» هستند. گروه سوم محبوب بالخلق عن الخلق می باشند.

کسی محبوب نیست که در کشف جامع باشد، حق را در خلق و خلق را در عین حق ببیند.

کشف حجاب

وقتی همه حجاب ها کنار رود آن را «معاینه» گویند.^{۹۱} صاحب مقام تلوین در حجاب است و آنکه به تمکین و جذبیه رسیده و سالک مجذوب شده کشف حجاب دارد.

سالک کسی است که در مسیر ریاضت و مجاهده بوده و از

آثار اسماء و صفات دلالت بر ذات مقدس و معرفت به آن یابد. مجذوب بالاتر از اوست؛ زیرا از کشف و شهود بهره می برد و لذا پایان راه سالک آغاز راه مجذوب است. اگر سلوک منتهی به شهود گردد، یعنی سیر از خلق به حق باشد آن را سالک مجذوب گویند.

اگر از اول و با عنایت الهی و وصول به حق حاصل شد و در همان قدم اول به مقصد رسید و پس از آن به سلوک راه برگشت و راهی را که بدون مجاهده طی کرده بود، دوباره سلوک نمود، یعنی سیر از حق به خلق داشت چنین کسی را مجذوب سالک گویند. به عبارت دیگر سالک مجذوب کسی است که سلوکش مقدم بر جذبیه باشد.

مجزوب سالک کسی است که جذبیه او بر سلوکش مقدم شده باشد. سالک غیر مجذوب آن است که در سلوک مانده و به جذبیه نرسیده است. مجذوب غیر سالک آن است که در مقام جذبیه مانده و به سلوک پس از جذبیه نرسیده است. دو قسم اول صاحب مقام «تمکین» بوده و می توانند مردم را دستگیری کنند ولی دو قسم اخیر صاحب «تلوین» بوده و چون بین راه مانده اند شایسته هدایت کردن نیستند.^{۹۲}

قبلاً اشاره شد که برخی حجاب ها همانند «احدیت» هرگز برداشته نمی شود. از دیدگاه امام خمینی راه های رفع حجاب عبارتند از:

۱. ریاضت صحیح.^{۹۳}

۲. سجده بر تربت سیدالشهداء(ع).

۳. قرآن خواندن.

۴. انقطاع الی الله.

۵. تقوای تام.

۶. ذکر لا اله الا الله.

۷. یقظه و تذکر محبوب.

«خدا می داند در این رفع حجب چه کرامت هایی است که غایت آمال اولیاء و نهایت مقصد آنها همین رفع حجب بوده است».^{۹۴}



۹۰. تعلیقه امام خمینی بر «شرح فصوص الحکم» با تصحیح استاد آشتیانی، ص ۶۱۸.

۹۱. رسائل ابن عربی، ص ۴۴.

۹۲. ر. ک: مشارق الدراری، ص ۴۲۵.

۹۳. تعلیقه امام خمینی بر «شرح فصوص الحکم» با تصحیح استاد آشتیانی، ص ۶۵۴.

۹۴. چهل حدیث، ص ۴۳۲، شرح حدیث بیست و هفتم.